



سیامک بهاری

مضحک صلح در افغانستان

میلیونها مردم مصیبت دیده افغانستان بویژه زنان، در کابوسی جانکاه، زندگی و آینده خود را در معرض نابودی می بینند. بازگرداندن طالبان به عرصه قدرت سیاسی کشور، شتاب بیشتری گرفته است. فجایع بیشتری بر جامعه تحمیل می شود و بیش از هر زمان دیگر باید با هوشیاری و جسارت علیه اسلام سیاسی به میدان آمد و از حرمت و انسانیت جامعه دفاع کرد.

پس از زد و بند آمریکا و طالبان در دوحه، تحت عنوان پروسه صلح و سازش در افغانستان، در میانه آنچه باید از دید مردم مصیبت دیده افغانستان و افکار عمومی جهانیان پنهان می ماند، نوبت به ادامه این روند تحت عنوان «مذاکرات بین الافغانی» رسید.

هیئت منتخب ارگ و سپیدار، راهی دوحه شد. پس از افتتاح نمایشی و چند اکت و ژست دیپلماتیک و سمینارهای بی محتوا، مذاکرات بیش از هشتاد روز در گما فرو رفت. کشمکش های پنهان داخلی و بین المللی همه چیز را فلج کرد. نزدیک به سه ماه هیئت بی اختیار دولتی در پیچ و خم تعیین دستور کار با طالبان بی آنکه بتواند قدم از قدم بردارد در مقابل هیئت طالبان که رسمی و علنی از پذیرفتن پدیده ای به نام دولت و جمهوریت در افغانستان سرپا می زنند و آتش بس را نمی پذیرند، میخکوب شد.

طالبان در این سه ماه با دست زدن به دهها عملیات مرگبار تروریستی به هدف برتری در میز مذاکرات بیش از هر زمان دیگر وحشیانه به جامعه خون پاشید. حملات گروه تروریستی طالبان در سرتاسر افغانستان تشدید یافت. از حمله انتحاری به مرکز آموزشی «کوثر دانش» در غرب کابل و دست کم کشته شدن ۲۴ نوجوان و زخمی شدن نزدیک به ۶۰ نفر، تا حمله مرگبار به دانشگاه کابل با کشته شدن حدود ۳۰ دانشجو و تعداد قابل توجهی مجروح. گشودن مجدد جبهه جنگ در ولایت هلمند در جنوب کشور که منجر به کشته شدن بیش از ۱۰۰ غیرنظامی و بی خانمان و آوارا شدن دهها هزار نفر گردید. گسترش دامنه جنگ و ترور به استان تخار در شمال کشور که منجر به کشته شدن بیش از ۴۰ سرپا ارتش گردید. همزمان جنگ در جنوب غربی کشور در ولایت نیمروز که منجر به کشته شدن بیش از ۲۰ سرپا ارتش گردید. حمله طالبان به مرکز ولایت سمنگان ۱۱ کشته و بیش از ۵۰ زخمی به جا گذاشت. دهها انفجار و انتحار و اختطاف دیگر بیش از هر زمان دیگر وضعیت امنیتی مخاطره آمیزتری برای کل جامعه ایجاد کرده است.

در مقابل تمامی جنایات هولناک طالبان در سراسر کشور، هیئت بی اختیار دولتی بدون کمترین توانایی نظاره‌گر مفلوک دست‌های پنهان و بازیگران اصلی در معامله با طالبان است. اجرای جزییات محرمانه توافق‌نامه امریکا. طالبان و همچنین زندانیان باقی‌مانده طالبان در زندان‌های دولت افغانستان، حذف نام‌های رهبران طالبان از لیست سیاه ایالات متحده و روند مذاکرات بین‌افغان بخشی از کشمکش‌ها بر سر تعیین دستور کار مذاکره بوده است.

زلمی خلیل‌زاد بعنوان نماینده و فرستاده ویژه آمریکا و کارچاق کن دونالد ترامپ در امور افغانستان پس از زد و بند جدید با طالبان اعلام می‌کند: «هیئت مذاکره‌کننده دولت و طالبان بر سر یک سند سه صفحه‌ای درباره شیوه مذاکرات به توافق رسیده‌اند. سه صفحه‌ای که از دید جامعه پنهان است و مشخص نیست کدام منفعت جامعه در این به اصطلاح مذاکرات با طالبان تاخت زده شده است.

برای گشایش بن بست محتوم در مذاکرات، محمدامین احمدی، عضو هیئت مذاکره‌کننده دولت افغانستان در دوحه صریحاً می‌گوید: «سرانجام پای دیپلماسی و وساطت میزبان و گروه کشورهای حامی صلح به میان کشیده شد، این مرحله نیز با نشست‌های دو جانبه و سه جانبه متعدد همراه بود و چندین هفته به درازا کشید و پیشنهادهای گوناگون مبادله شد، سرانجام بعد از مباحثات طولانی روی متن‌های گوناگون بر متنی توافق اولیه به عمل آمد که در نگاه نخست برای جانب طالبان از جذابیت بیشتر برخوردار بود!»

همه این "مذاکرات و متن‌های گوناگون" و سند سه صفحه‌ای جدید نیز از چشم مردم افغانستان و افکار عمومی جهانیان مخفی مانده است.

طالبان در مذاکرات چه می‌خواهند و چه می‌کنند

استراتژی آمریکا در دراز مدت، ماندگاری کم هزینه در افغانستان و منطقه است. از این رو مصالحه با طالبان و بازگرداندن آنها به قدرت سیاسی یک وجه عمده در کاهش هزینه‌های لجستیک و جنگی و تأمین امنیت نیروهای لازم برای اهداف استراتژیک و دراز مدت آمریکا در منطقه و در رقابت‌های سنگین آن است. بر طبق این پلانتفرم، خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان باید تسریع می‌شد و بعنوان یک بند مهم و تعیین‌کننده در کشمکش با طالبان عملی می‌گردید. طبعاً با خروج نیروهای آمریکایی و معاهده صلح با طالبان توپ در زمین طالبان خواهد بود. جهاد با نیروی "اشغالگر خارجی" به قرارداد صلح و امضا مصالحه رسمی منجر شده است. اینک ادامه همان سناریوی توافق شده، تحت عنوان مذاکره بین‌افغانی و روند آتش‌بس روی میز خواهد بود.

اما طالبان با خونریزی و جنگ و ترور معنی واقعی پیدا می‌کنند. این لشکر مزدور بدون این هراس‌افکنی نه قدرتی خواهد بود و نه مطلوبیت سیاسی و اعتبار اجتماعی در جامعه دارد. طبیعی است که باید مذاکرات را به بیراهه ببرند و وقت بخرند تا بتوان بر سر چیزی چانه زنی کرد که هویت اساسی تروریسم اسلامی طالبان است.

هیئت مذاکره‌کننده طالبان به رهبری مولوی عبدالحکیم، بیست موضوع را به نمایندگان دولت پیشنهاد داد! از جمله مهمترین‌ها این است که:

- نظام سیاسی آینده افغانستان یک «نظام اسلامی» بدون پیشوند یا پسوند «جمهوری/ دموکراتیک» است.
- تشکیل «شورای سراسری عالمان دین اسلام» برای تطبیق کلیه قوانین و مقررات قانونی کشور.
- نظام آموزش و پرورش تحت عنوان «معارف اسلامی» خواهد بود.
- حقوق، وجایب (واجبات) و آزادی زنان و مردان در چهارچوب نصوص و شریعت اسلامی است.
- حدود آزادی و فعالیت نهادهای رسانه‌ای طبق دستورات اسلامی مشخص می‌شود.
- حضور زنان در امور اقتصاد با مشخص شود.

در یک کلام طالبان با همان معیارهای "امارت اسلامی طالبان" به صحنه قدرت سیاسی بازخواهند گشت.

طالبان نه تنها تغییری نکرده‌اند بلکه با تعرض و توحش شدیدتری دستاوردهای اجتماعی نیم‌بند کنونی را هدف گرفته‌اند و می‌خواهند به عقب نشینی وا دارند.

اما از جمله اساسی‌ترین موضوعات پیشنهادی هیئت مذاکره‌کننده دولت به رهبری معصوم استانکزی این‌ها است:

- شروع مذاکرات با اعلام آتش‌بس.
- نهادهای ارتش، پلیس و قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی افغانستان حفظ شود.
- نام حکومت افغانستان طبق توافقنامه صلح طالبان با امریکا اساس مذاکرات قرار گیرد.
- در نظر داشت خواست‌های مردم افغانستان.
- پذیرفتن پیمان‌های جهانی افغانستان که از سوی سازمان ملل تأیید شده‌اند از جمله پایان دادن به جنگ.
- اعلامیه‌ی سه‌جانبه جمهوری اسلامی افغانستان، امریکا و ناتو که همزمان با امضای موافقت‌نامه‌ی صلح میان امریکا و طالبان در کابل صادر شد، اصل شمرده شود.
- مذاکرات براساس توافقات لویه‌جرگه‌ی مشورتی پیش برده شود.
- اختلافاتی که در جریان مذاکرات پیش می‌آید در روشنی قرآن و حدیث حل شود.

هیئت مذاکره‌کننده حکومت افغانستان بعنوان نماینده حکومتی فاقد مشروعیت، بشدت فاسد و تبهکار، با مجموعه‌ای از باندهای مافیایی، از هم گسیخته و نامنسجم برآمده از دل احزاب جهادی، با تناقضات بیشمار، در لجنزار مذاکراتی گیر کرده است که حتی از محتوای واقعی توافقات آمریکا - طالبان که پایه این مذاکرات را فراهم کرده است، مطلع نیست. با یک جریان تروریستی اسلامی بیرحم و خونریز، بغایت ضد زن و آشکارا مخالف همه قواعد مدرن بین‌المللی بر سر میز مذاکره نشسته است که بارها و بارها آنان را "برادران ناراضی" خوانده است. و اینک در چنبره‌ای از تناقضات خود ساخته و انبوهی از مخفی‌کاری و عدم شفافیت و فریبکاری در گِل مانده است. تا دستی از سوی آمریکا و ناتو و قطر، گره‌ای از کار آن بگشاید!

عبدالله عبدالله رئیس شورای عالی مصالحه، تا پیش از این سمت، در رقابتی مضحک و موهن به موارد اشرف غنی، سوگند ریاست جمهوری و تحلیف به جا آورده بود. اکنون او به فرمان اشرف غنی و با وصله و پینه آمریکا، در صدر شورایی قرار دارد که خود حاوی هیچ اتحاد و همبستگی و مصالحه‌ای نیست. همانند همه پیکره متعفن حکومتی با کمترین اقبال اجتماعی روبرو است. او مأموری موجب بگیر برای بازگرداند طالبان وحشی و خونریز به قدرت سیاسی است.

پارامترهای جدیدی به این به اصطلاح "مصالحه" اضافه شده است. تغییر و تحولات در کاخ سفید و رفتن دونالد ترامپ که اساس استراتژی جدید آمریکا در افغانستان را بنا نهاده است هر دو طرف را با تناقضی گیج‌کننده روبرو ساخته است. هیچ طرفی اختیار کار خود را ندارد.

در آنسوی این مضحکه، جامعه‌ای فقر زده که بنابر برآوردهای سازمان‌های جهانی و مرکز امار کشور تا ۷۵ درصد جامعه عملاً با فقر شدید دست به گریبانند. بیکاری، آوارگی، مهاجرت و عدم تأمین اجتماعی بصورت یک اپیدمی خطرناک جامعه را تهدید می‌کند. مجموعه عظیم کمک‌های مالی و زیربنایی بین‌المللی در دست مشت‌فاسد و تبه‌کار به کاخ و سرمایه و امکانات شخصی بدل شده است. واقعیت دیگر که بر هر دو طرف سنگینی می‌کند این است که می‌دانند صبر طرف غربی به انتها رسیده است و ادامه کمک‌های مالی و حمایت‌های بین‌المللی به پروسه پیشرفت توافقات گره خورده است. وزیران خارجه بیش از ۷۰ کشور جهان در کنفرانس ژنو حجم کمک‌های مالی برای تأمین مالی پروژه‌های عمرانی در افغانستان را تا ۲۰ درصد کاهش دادند. وارثش آمریکا بیش از نیمی از نیروهای خود را تا اواسط ژانویه ۲۰۲۱ از افغانستان خارج خواهد کرد.

بنابراین گشایشی فرمایشی، با فشار علنی و پادرمیانی "پدرخوانده" در فضایی از تناقضات و جعلیات، بی آنکه از آتش‌بس خبری باشد، مجدداً مذاکرات آغاز شده است. بن بست محتومی که به سادگی قابل تشخیص بود اینک زمختی و جان سختی خود را هویدا ساخته است و بازهم هیئت مذاکره‌کننده دولتی را در گردابی بی‌انتهای گرفتار کرده است.

تهدید بازگشت هیولای طالبان کابوسی است که بر سر جامعه چرخ می‌زند و مدام قربانی می‌گیرد. سپردن مدارس دولتی در کلاسهای اول تا سوم ابتدایی به مساجد بی‌شک اولین تحفه از سوی وزارت معارف حکومت است که با قربانی کردن کودکان است که در مقدم طالبان سلاخی می‌شوند.

این مضحکه را باید بر سر حکومت و "برادران ناراضی" طالب خراب کرد. جامعه توان بالقوه به شکست کشاندن هر دو طرف را دارد. به این بساط باید خاتمه داد. منجی مردم افغانستان نیروی اعتراض خود و اتکا بر پتانسیل اعتراضی موجود است. این غول باید همین حالا از شیشه بیرون بیاید.